



شهربانو

۲۳ شهریور
۱۶ اسفند ۱۴۰۰
۴ شعبان ۱۴۴۴ شماره ۲۲۲

(۲)



حمیده وحیدی
روزنامه‌نگار

بانویی که بازار مشهد برای آزادی‌اش کرکره‌ها را پایین کشید

قرار بود دیدارمان به همان یک مرتبه خلاصه نشود. قول گرفته بودیم بنشینیم و یک دل سیر از چیزهایی بگوئیم که همیشه در کتاب‌های تاریخی خوانده بودیم، اما گاهی زمان و مکان به گونه‌ای ما را غافل گیر می‌کند. خبر فوت خانم صدیقه مقدسی، از فعالان انقلابی، نیز از همین دست بود. ناپاورانه چند روزی به امید شفا دعا کردیم اما باز هم خبری غیرمنتظره کاممان را تلخ کرد. انگار نه انگار سه هفته گذشته این بانوی فرهیخته را عکس یک روزنامه کرده بودیم. ایشان رویه رویمان نشست به بود و از خاطرات زندان در ساواک و راه‌اندازی اولین راهپیمایی زنان مشهد و سپس تعطیلی بازار مشهد برای آزادی‌اش گفته بود. ما هم گوش کرده بودیم و دلمان پرکشیده بود چند بار دیگر از زیر و بم زندگی‌اش باخبر شویم. خانم مقدسی نیز با همان مهربانی مادرانه که در این سال‌ها شاگردان زیادی را تربیت کرده بود به ما آموخت که برای زندگی باید تلاش کرد، کار کرد و هزینه داد، مادر شهیدی که برای پسرش هیچ ابراز دلتنگی نکرد. راستش را بخواهید، در این چهار سالی که در شهربانو می‌نوئسم، زن‌هایی قوی که همه زندگی‌شان را صرف دیگران کرده‌اند زیاد دیده‌ام اما بانو مقدسی از آن‌هایی بود که وقتی حرف می‌زد، نگاه نافذش را به صورت می‌دوخت و هر خاطره‌اش یک درس داشت. به دنبال تکرار نبود. برای همان مصاحبه هم بارها درخواست فرستادیم. دوست داشت حرف‌های گذشته را با شرایط روز دختران و زنان جوان پیوند دهد. عزت و احترام و مادرانگی‌اش در جای‌جای مکتب اسلام‌شناسی موج می‌زد وقتی خانم‌ها هنگام عبور، با احترام سرشان را تکان می‌دادند یا از جا برمی‌خاستند. دوست داشتم بعد از شنیدن خبر درگذشتش شهر را پرکنم از عکس زنی که تاریخ و هویت و انقلاب به او بدهکار بود اما نشد که نشد زیرا او در سال‌های زندگی‌اش هرگز به دنبال کسب شهرت و عکس روی جلد روزنامه‌ها شدن نبود. ای کاش امثال خانم مقدسی را قبل از اینکه از دنیا بروند بیشتر به جامعه معرفی کنیم. جامعه زنان این روزها بیش از پیش به الگو نیازمند است.

+++ صدیقه مقدسی، متولد ۱۳۲۵، دختر آیت‌ا... حاج شیخ ابوالحسن شیرازی، امام جمعه فقید مشهد و از نوادگان آیت‌ا... بروجرودی نجفی، خواهرزاده آیت‌ا... شهید حاج شیخ مرتضی بروجرودی، همسر حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا موسوی خراسانی و مادر شهید سید هشام است.

در دوازده سالگی کتاب «جامع المقدمات» را از محضر حضرت آیت‌ا... حاج شیخ شیرازی فراگرفت و سایر دروس ادبیات عرب از قبیل صمدیه، سیوطی، مغنی، منطق (حاشیه ملاعبد...) و منطق مظفر را به طور خصوصی از محضر آیت‌ا... صالحی (از استادان درس خارج) و بعضی استادان دیگر آموخت.

تدوین کتاب «چهل گام طلبگی» با ارائه چهل حدیث درباره اخلاق و وظایف طلاب و آماده‌سازی صدها فیش با موضوعات تفسیری، اخلاقی، علمی و... برای تبلیغ و ارائه سخنرانی از تألیفات اوست.

تأسیس مدرسه علمیه اسلام‌شناسی حضرت زهرا^(س) در سال ۱۳۴۷، مدیریت مدرسه علمیه اسلام‌شناسی حضرت زهرا از سال ۱۳۴۷، راه‌اندازی بخش خواهران مدرسه عالی شهید مطهری در سال ۱۳۵۹، مدیریت بخش خواهران مدرسه عالی شهید مطهری از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵، تأسیس پژوهشکده اسلام‌شناسی در سال ۱۳۸۹، تأسیس مرکز تخصصی زن و خانواده اسلام‌شناسی در سال ۱۳۹۳، راه‌اندازی کانون دانش‌آموختگان وابسته به مدرسه علمیه اسلام‌شناسی حضرت زهرا از پیشینه اجرایی این بانوی انقلابی و اندیشه‌ورز است.



مهدی تکلو
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

(آفاق)

جایگاه زن در گفتمان انقلاب اسلامی

نقطه تمرکز گفتمان انقلاب اسلامی در بحث کنشگری زنان، عاملیت زن نیست، بلکه چیزی ورای آن را به عنوان مطلوب در نظر دارد. عاملیت در معنای متداول با «ایفای نقش»، «اثرگذاری»، «سهمی بودن» و از این قبیل هم‌ردیف است به این معنا که زنان در میدان اجتماعی «حاضر» و اثرگذار باشند. در این لحظه، عاملیت زن با «بودن» و «حضور» پیوند می‌خورد. در مقابل، عرصه‌هایی که زنان از آن محروم هستند، «عدم حضور» و «غیبت زنانه» را پررنگ می‌کنند. مثلاً ما در مورد هیئت داور جشنواره زن راجع به «عدم حضور» داور زن پرسش می‌کنیم یا در هر عرصه‌ای دیگر. مسئله ما در این موارد، گذار زن از قلمرو «منفعل بودگی» به قلمرو «فاعل بودگی» است.

البته «عاملیت» بر اثرگذاری متمرکز است اما سطحی از اثرگذاری نیز قابل گفت‌وگوست که دیگر نه تنها عاملیت به معنای اثرگذاری بلکه واجد نوعی خالقیت است. خالقیت در معنای مدنظر، با نوعی «بازاندیشی» پیوند دارد. این بازاندیشی سبب نوعی نگاه انتقادی به عاملیت زنانه می‌شود. خالقیت نقطه اصلی عاملیت است که رویکردی انتقادی نیز دارد. خالقیت در هسته مرکزی‌اش با سطحی از اثرگذاری همراه است که دیگر یک اثرگذاری معمولی و حداقلی نیست، بلکه واجد نوعی تخریب و ایجاد هم‌زمان است. پس خالقیت زن سنخ تشدیدشده و کمال‌یافته عاملیت زن است. مسئله خالقیت زن علاوه بر حضور و اثرگذاری، نحو ساختار شکنی و شالوده شکنی و در عوض آن ساخت‌سازی و جهان‌سازی است. عاملیت در لحظه است اما خالقیت امری تاریخی است زیرا مخلوق موجودیت

می‌یابد و می‌ماند. نیز خالقیت زن در ناحیه جهان اجتماعی (فرهنگ) اتفاق می‌افتد و فرهنگ اگرچه امری تدریجی است، به واسطه نهادمند شدن در جهان اجتماعی استقرار می‌یابد. علاوه بر این‌ها، من اصرار دارم به جای «خالقیت زنان» از «خالقیت زنانه» استفاده کنم. خالقیت زنانه الزاماً جنسیتی است به این معنا که جنسیت را نوعی جوهر استعدادی و قابلیت می‌بینم که در فرایند خلق و ایجاد اثرگذار است. یعنی ظرفیت‌هایی را که مربوط به جنسیت است در ساخت عینیت اجتماعی اثر دادن. صریح‌تر اینکه من جهان امروز با همه جزئیاتش و شئون مختلفش را جهانی «مردساخته» می‌بینم. جهان مردساخته جهانی است که زنان در آن یا به کلی غایب‌اند یا در خالقیت سهم ندارند. در جهان پدرسالار زن حاضر نیست و در جهان مردسالار زن حاضر اما خالق نیست. حتی گاهی عامل هم نیست. اما زن انقلاب اسلامی نه تنها حاضر و عامل است، بلکه خالق نیز هست. جهان مطلوب انقلاب اسلامی جهانی اجتماعی است که زنان در کلیت ساختاری آن خالق باشند و ما بتوانیم وجه زنانه ساختارهای جدید، ایده‌ها و اندیشه‌ها، مناسک، سنت‌ها، محصولات و به‌طور کلی عینیت‌های اجتماعی را مشاهده کنیم یا تشخیص دهیم. جهان امروز بدون تعارف، جهانی «مردساخته» است که در برخی لحظات، ژستی کاملاً مردسالار هم به خود می‌گیرد و زندگی اجتماعی برای زن در جامعه نامتعدالی که مردها بیشتر خالق آن بودند همواره ناهموار است. پس باید زن را با همان گفتمان انقلاب اسلامی دید و برای این شرایط، فضا ایجاد کرد.